

جلسه سوم

شاهنشاهی کیانیان بلخ باستان ،

اجداد تاجیکان و پارسها

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

Dr.Basir Komjo

بنام خداوند یکتا ، خداوند مهر وهستی آفرین !

با توجه به ماهیت اهداف سیاسی و انسانی و اخلاقی ما ، که نمودی از روشنگری برای همگرایی و همزیستی است . محتوایی جلسه سوم ما را امروز فرمانروایی شاهنشاهی کیانیان بلخ باستان تشکیل می دهد .

هدف از بیان و معرفی اندیشه های باز شناسی هویت ملی نیاکان ما ، در این برهه تاریخی این است که :

نسل جوان و نوپای روشنفکری ، و دانش آموزان دیگر اندیش ایکه ، میراث دار و پاسدار این گوهر قیمت بهای تاریخی می باشند ، ومسئولیت رهبری فردای ، کشور های فارسی زبان ، در منطقه به آنها تعلق می گیرد , باید از شناخت هویت تاریخی و سیاسی واقتصادی ، اصل و ریشه وتبار خویش دور نمانند ، و آنرا درست و خوب بشناسند .

واز افتخارات وارزشهای معرفتی آن ، آگاهی دقیق وهمه جانبه داشته باشند . وزندگی آینده را ، بر کنه این سنگپایه معنوی غنامند ، بنا نمایند .

امروز قدرت وحاکمیت سیاسی سرزمین نیاکان ما را ، گروه های وابسته به بیگانگان ، آشکارا غضب نموده اند . که نزد ایشان از رشد و حفظ فرهنگ باستانی و تقویه علم و معرفت و تمد و همگرایی ملی، خبری نیست .

این گروه های دست نشانده استعمار کهنه ونو ، با شماتت ویژه وظاهر فریبانه ، خویش را در جامه اسلام ، دموکرات وطنپرست جامی زنند ، ودر عمل مانند گذشتگان وابسته خویش ، در پی تشدید انشقاق ملی ، تضعیف

زبان تفاهم ملی فارسی ، و محو فرهنگ بزرگ باستانی ، این سرزمین دانش پرور ، می باشند .

ازینرو هست که ، به هویت باستانی و تاریخی مهر آفرین و انسانگرای این مرزبوم ، کدام تمکینی نمی گذارند .

نباید مردم فارسی زبان و میراث داران تاریخی ایران قدیم چشم به راه این وضع سیاسی ، و آن شرایط پیش رو ، منتظر مانند .

زمان می گذرد ، و زنجیر های اسارت بار ، پا های درمانده شهروندان ماضخیم تر می شوند . و دندان های آدم خوار ، و کارد بُرایی حاکمیت تک محور ، و ولی نعمتان شان ، روز تاروز تیز تر .

باید نسل های جوان آزادیخواه کشور ما و فارسی زبانان جهان ، هرچه دقیق تر و کامل تر ، گذشته های دور تاریخ مشترک این سر زمین را بیاموزند . و خویشتن را با علم و دانش روز مسلح سازند .

از راه تأمین همبستگی فرهنگی و ملی ، ابراز وجود و حق خواهی نمایند . با اراده نستوه و علاقه و عشق به امنیت و آزادی ، مدیریت سیاسی و اقتصادی یی ، میهن نیاکان خویش را ، از چنگال چپاولگران و سربازان رضامند نهاد های سرمایه جهانی ، و مولدان ترور و مواد مخدر ، برای همیشه رها سازند .

ما عزت و سربلندی ، آبادانی و هست و بود صلح آمیز آینده سرزمین کهن نیاکان یا تاجیک ایرانی در گُل ، و بویژه کشور خراسان - افغانستان را ، افزون بر تحقق مؤلفه های سیاسی - حل اساسی مسئله ملی ، در بازشناسی ، رشد و تقویه دست آورد های باستانی ، معرفت علمی و فرهنگی و تاریخی آن میدانیم .

زیرا شهروندان کشور ما ، هر قدر از دست آورد های معرفت پُرافتخار تاریخ نیاکان خویش آگاه میشوند ، و آنرا می شناسند ، در حقیقت خود را می شناسند .

و به همان مرتبه احساس ، غرور و میهن پرستی ، نوع پروری و همبستگی اجتماعی ، در روح و روان ، ضمیر و وجدان شان ، زنده شده ، و با

امیدواری به آن ارزشها ،رسالت ایمانی خویش را ، در راه تحقق آرمان های زیرساخت جامعه مدنی وتأمین رفاه اجتماعی ، در کشورشان ومنطقه ,ادا مینمایند .

به این اساس ضرورت دانسته شد ، که با اتکاء به اسناد و مدارک معتبر دست داشته تاریخی ، ملی ، وبرون مرزی ,باری بتوانیم ، گام آگاهانه یی ، در راه معرفی زمامداری وفرمانروایی تاریخ اجداد مان ، جهت تنویر شعور اجتماعی و تجهیز نسل جوان کشور خود ما و منطقه ، برای رهبری فردای سرزمین نیاکان شان ,ادای رسالت کرده باشیم .

کیانیان دومین سلسله شاهنشاهی تاریخی ، دربلخ باستان ایران قدیم بوده اند .که بعد از پیشدادیان به فرمانروایی این سرزمین مرد خیز رسیدند.

نگاه کنید به تصویر مجازی رزمنده شاهنشاهی کیانیان



کریستن سن (1) و برخی باستان شناسان و محققین درون مرزی و برون مرزی ، به استناد اوستا ، و داستانهای ملی و دینی ، اشکانیان و ساسانیان معتقد اند که ، تاریخ کیانیان ادامه دهنده سیاست واقعی پیشدادیان بلخ باستان بوده است .

این سلسله در منابع ای مانند : اوستا : کتاب مقدس زرتشتیان ، داستانهایی که در سلسله شاهنشاهی اشکانیان و ساسانیان رواج داشته ، و در کتاب های پهلوی کهن مانند :

بندهش (2)، دینکرد (3)، مینوی خرد (4) - از آن نیز شایسته تفسیر و بیان گردیده است .

همچنین در شاهنامه فردوسی ، نیز تأکید بعمل آمده است که ، سلسله کیانیان ، پس از پیشدادیان بلخ باستان به حکمرانی میرسد . و مؤسس این سلسله نیز برپایه داده های تاریخی شاهنامه ، کیقباد است (5) .

پادشاهان سلسله کیانیان ، اجداد تاجیکان و پارسها ، بقرار ذیل اند :

1- کیقباد

2- کیکاووس فرزند کیقباد

3- کیخسرو فرزند سیاوش فرزند کیقباد

4- کی مهربان ، فرزند کیوجی ، فرزند کیمنش ، فرزند کیقباد

5- گشتاسب فرزند لهراسب

6- بهمن فرزند اسفندیار فرزند گشتاسب

7- هما دختر بهمن

نگاه کنید به تصویر "هما" ملکه نامدار شاهنشاهی کیانیان بلخ



8- داراب اول پسرهما

9- داراب دوم ...ودیگران (6)

اول - پادشاهی کیقباد

کیقباد اولین شاه از سلسله پادشاهان کیانی ، اجداد تاجیکان و پارسها است .
پس از مُردن گرشاسب ، آخرین پادشاه پیشدادی ، با اینکه "توس"
و "گستهم" پسران "نودرهمشتمین شاه پیشدادی" در حیات بودند .
و خاندان فریدون هنوز از میان نرفته بود .

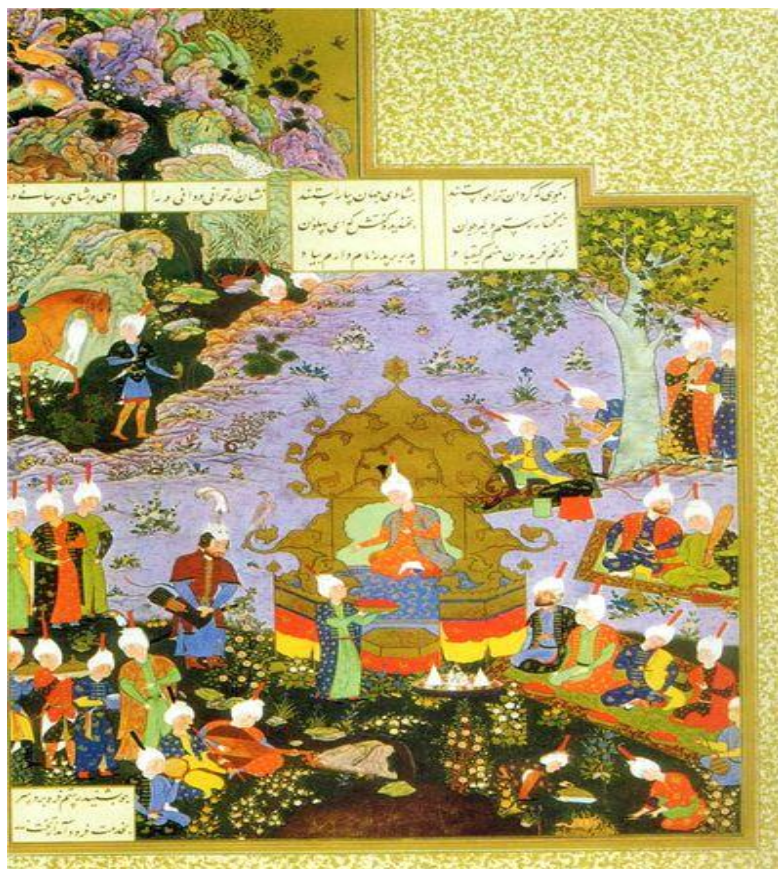
اما چون "فرایزدی" با آنان نبود ، ناگزیر به پادشاهی نرسیدند (7) .

پس از مشورت زال با موبدان ، کیقباد را که دارای "فرایزدی" و برازنده
ای تاج و تخت بود ، به شهریاری برگزیدند .

او از اعقاب منوچهر ، در جبال البرز منزوی بود و رستم پسر زال به
البرزکوه رفت ، و او را به استخر آورد.

تصویر مجازی آوردن رستم ، کیقباد را از البرز کوه ،

در شاهنامه مشاهده کنید.



چنانچه که فردوسی مینویسد :

به شاهی نشست از برش کیقباد

همان تاج گوهر به سر برنهاد

بعد از رسیدن کیقباد به پادشاهی ، تورانیان که به سر کردگی " افراسیاب شاه توران" به آریانا هجوم آورده بودند . ایرانیان در مقابل ، بقیادت کیقباد پادشاه ، آماده جنگ شدند . رزمندگان بترتیب :

دریک سو مهراب ، در سوی دیگر گسته‌م ، در قلب سپاه قارن ، و در ته سپاه کشواد ، و خُراد ، و برزین ، و پولاد ، بود .

و در پیشاپیش سپاه رستم و پشت او پهلوانان دیگر و پشت آنها زال با کیقباد بودند .

درفش کاویانی برکشیدند و در دفاع از سرزمین خویش صف آرایی نمودند .

نگاه کنید به درفش کاویانی



از آنسو افراسیاب هم سپاهی آماده کرد. ورزمندگان خویش هریک : اجناس ، و ویسه در راست ، و شماساس ، و گرسیوز در چپ ، و در قلب سپاه "افراسیاب" با چند تن از نام آوران لشکر صف کشیدند .

کیقباد بعد از این موقع ، اولین دفعه با دشمن دیرینه جنگ کرده ، و در محاربه ای تن بتن افراسیاب را مغلوب ساخت ، و تحصیل شرف و افتخار بزرگ نمود .

لیکن پادشاه تورانی بواسطه گسیختن کمر بندش جان بدر برده فرار کرده ، و با سپاهیان بکشورش برگشتند .

رستم نزد شاه رفت ، و شاه دریک طرفش رستم ، و در طرف دیگرش زال را نشاند . و بر آنها ، و دیگر پهلوانان سرزمینش آفرین گفت .

از آنسو افراسیاب که شکست خورده بود ، با پوزش خواهی نزد پدر بازگشت ، و به او گفت :

تو قصد جنگ کردی ، و این کار درستی نبود . چون گذشتگان که پیمان شاه را شکستند ، از آن سود نبردند .

اکنون نه تنها زمین از نژاد ایرج پاک نشد ، بلکه دیگری چون کیقباد ، جایش را گرفت . و از پشت سام ، جوانی بوجود آمده است ، که رستم نامیده می شود . او به تنهایی ، همه لشکر ما را به هم زد و نزدیک بود مرا هم بکشد

نگاه کنید به تصویری از رخس ، رستم داستان

رجوع شود : به ویلاگ داستان های شاهنامه (7)



اکنون ، جز آشتی راهی نمانده است . ما نباید ، کینه گذشته را در سر
بپرورانیم .

ببین چگونه نامداران ما ، همچون گلباد و بارمان ، و خزروان و شماساس
، و قُلون ، همگی را از دست دادیم .

و من هم بی گناه نیستم که ، اغریث را کشتم مرا ببخشید ، و از گذشته یاد
مکنید ، و با کیقباد شاه ، آشتی نمایید .

وقتی پشنگ ، سخنان پسرش افراسیاب را شنید . به فکر رفت ، و عاقل
مردی به نام ویسه ، پدر پیران ، سرلشکر افراسیاب را ، نزد ایرانیان
فرستاد ، و نامه ای به شاه آریان نوشت :

اگر تورانیان ستمی به شما کردند ، و ایرج را بکشتند ، منوچهر هم به کین
خواهی او برآمد ، پس شایسته است که راه درست را پیش گیریم ، و جنگ
را کنار بگذاریم .

ایرج هم به بر و بوم ما نظر نداشت ، پس کینه ورزی نکنیم ، و به کشور
خود قناعت کنیم .

کیقباد شاه ، در جواب نامه گفت : ما در جنگ پیشدستی نکردیم ، و اشتباه
از افراسیاب بود . آیا به یاد دارید ، او با نوذر چه کرد ، و چه بلایی ،
بر سر برادرش اغریث آورد ؟

اما اگر شما از کردار بد تان پشیمان شوید ، من از شما کینه ای به دل
ندارم . پس پیام به پشنگ پدر افراسیاب بردند ، و تورانیان شاد شدند .

کیقباد ، بروایت "فرهنگ فارسی آنندراج" "بمدت صد سال پادشاهی
کرد. (8) وبعد از جنگ های خونینی که در فوق ذکر شد ایرانی ها اجداد
تاجیکان وپارسها پیروز گردیدند و توانستند که میهن خود را ازگزند
تعرضات مستدام مصون ، وامنیت وعدل و دادگری را درسرمین آریائیان
تأمین نمایند .

خاقانی شروانی در تائید این قول میفرماید :

تاریخ کیقباد نخواندی که در سیر

عدلش ز فضل، عاطفه گستر نکو تراست (9)

با ابراز افتخار بزرگ به ارزشهایی تاریخی باستانی سرزمین نیاکان ما ،
باید اذعان کرد که : " به گزارش میراث آریا به نقل از روابط عمومی
سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی ،
قلعه کیقباد که دارای تاریخ معادل هزاره اول قبل از میلاد تا دوران تاریخی

می باشد، و با توجه به این اهمیت تاریخی اش ، با شماره 28051
در فهرست آثار ملی نیاکان ما ایران بزرگ به ثبت رسیده است (10)".
پس از کیقباد ، کیکاووس زمام امورشاهی را بعهدہ می گیرد ،

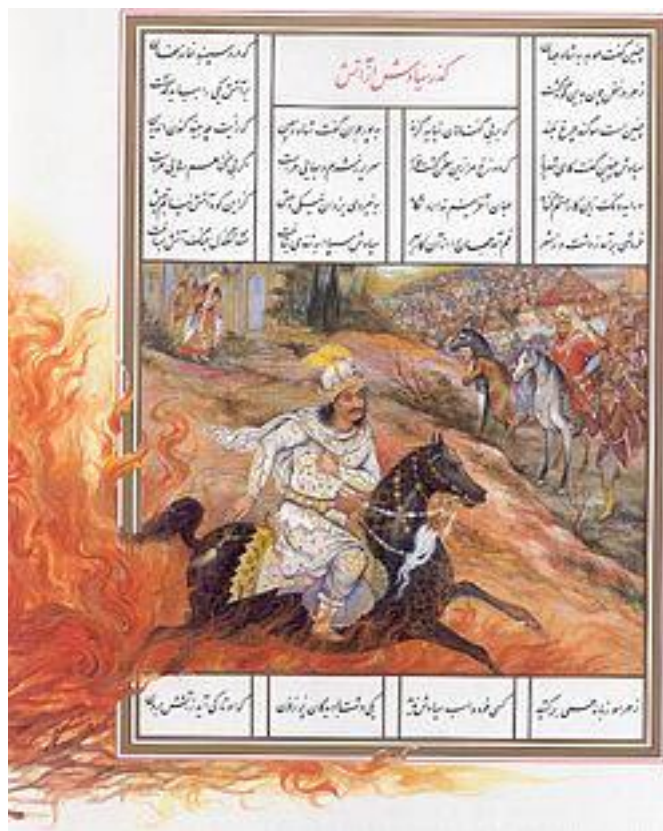
دوم - کیکاووس شاه کیانی

کیکاووس دومین شاه کیانی بروایت "تاریخ ایران" و "دانشنامه آزاد" پسر "کیقباد" و بقول "فرهنگ فارسی" نوۀ "کیقباد" و نامدارترین پادشاه این سلسله است.

در دوره وی داستان هفت خوان رستم، داستان سیاوش، داستان رستم و سهراب و غیره پیش آمده که در شاهنامه فردوسی بزرگ مذکور است.

(11)

به تصویر مجازی سیاوش در شاهنامه فردوسی نگاه کنید



براساس باورهای آریانیان باستان یا نیاکان ما، کیکاووس پادشاه، برهفت کشور و آدمیان فرمانروایی می کرد. او بر سر کوه البرز هفت کاخ می سازد "یکی از زر، دو از سیم، دو از پولاد و دو از آبگینه.

او از این کاخ ها بر همه حتا بر دیوان مازندران فرمان می راند.

کیکاووس پس از آنکه فریب دیوان را می خورد ، با وجود مخالفت‌های پهلوانان و بزرگان ، به ویژه زال و رستم ، آهنگ مازندران (12) می کند ، تا آن جا را فتح کند .

و بر شاه مازندران پیروز شود مگر در این نبرد ، لشکر کیکاووس پراکنده می شود . شاه به زال و رستم پیغام می فرستد ، که او را یاری دهند .

زال ، "رستم" را به یاری وی میفرستد ، و او را روانه مازندران میکند .

رستم پس از آزمایش‌ها و نبردهای شگفت انگیز ، از هفت منزل - که به هفت خوان رستم نام کرده شده - می گذرد ، و بر شاه مازندران پیروز می گردد .

تندیس رستم دستان را مشاهده کنید



غم نامه رستم و سهراب و سیاوش نیز به دوران پادشاهی کیکاووس تعلق دارد .

کیکاووس در داستان های حماسی آریانای کهن بیشتر به عنوان مظهر و قدرتی یاد شده است - که به همه غالب گشته و دست یافته است . و پس از او کیخسرو به پادشاهی رسید (13) .

سوم - پادشاهی کیخسرو

کیخسرو سومین شاه از سلسله پادشاهان کیانی ست . که در تاریخ کهن و داستان های حماسی ایرانیان (تاجیکان ، پارسها و گردها) از او بنام پادشاه نیک نام بلند مرتبه و عادل یاد کرده اند .

کیخسرو پسر سیاوش ، پسر کیکاووس ، پسر کیقباد بود . مادرش فرنگیس نام ، دختر افراسیاب پادشاه توران بود (14) .

فرنگیس پس از اینکه شوهرش بفرمان افراسیاب کشته شد ، پسری آورد بنام کیخسرو . پیران سپه سالار افراسیاب ، نخست او را بفرمان افراسیاب بکوه فرستاد . تا از نژاد خود آگاه نباشد . و سپس او را بگنگ دژ (15) فرستاد .

سرانجام گیو ، پسر گودرز ، یکی از پهلوانان بزرگ و خوشنام ایران کهن ، عازم یافتن او شد ، و او را بیافت . و با مادرش فرنگیس به آریانا آورد .

چون کیخسرو به میهن پدری اش رسید بر سر جانشینی او و " فریبرز " پسر کیکاووس میان پهلوانان اختلاف افتاد . و سرانجام قرار نهادند که هرکس ، " دژبهن (16) " را بگشاید ، سزاوار پادشاهی است .

کیخسرو که فر ایزدی همراه او بود ، دژبهن را گشاد . و آنگاه بکین خون پدر ، به جنگ افراسیاب رفت . و او مفسدان را از پا در آورد . و ترکستان را به " جهن " که پسر افراسیاب بود وا گذاشت .

آنگاه کیکاووس پادشاهی بدو داد . بقول " فارسنامه ابن بلخی " :

" مدت پادشاهی کیخسرو شصت سال بود " .

نام کیخسرو در اوستا چند بار آمده و در ادبیات پهلوی نیز در مورد نسبش روایات فوق مزبور است . در تاریخ سرزمین ایران قدیم از کار های مهم کیخسرو - ویران کردن بتکده دژبهن ، به ثبت رسیده است .

سعدی مینویسد :

شاهان بر آستان جلالت نهاده سر

گردنکشان مطاوع و کیخسروان گدا

کیخسرو با شناخت دقیق از تاریخ باستانی سرزمین نیاکان ، از هویت شایسته و صلحخواهانه یی این نژاد نجیب و ترقی پرور ، واز دست آورد های بشر دوستانه یی سرزمین خویش ، آگاهی عمیق داشته .

با این نگرش بوده که وی از اندیشه های هوشنگ ، جام گیتی ، نمای فریدون ، و سخنان نغز جمشید ، همواره پیروی و عمل می نموده است .

کیخسرو در عدالت و شهامت سرآمد سلسله ای شاهان کیانی بود ، و به عنوان شاهنشاه عادل و شجاع ، در دل تاریخ پرافتخار سرزمین آریائیان ، جاویدانه باقی مانده و خواهد ماند .

چهارم - پادشاهی گشتاسب

بعد از وی گشتاسب پسر لهراسب پنجمین شاه ، از سلسله پادشاهان کیانی براریکه قدرت تکیه می زند . او خواهان پادشاهی از پدر بود ، مگر پدر به این درخواست پسر خویش تن در نداد .

گشتاسب رنجیده به روم رفت . و در آنجا « کتایون » (17) دختر قیصر روم را ، که دلباخته او بود ، بزنی گرفت .

تصویر " کتایون " دختر قیصر روم ، همسر گشتاسب



گشتاسب سپس به آریانا ایران برگشت . و در بلخ بیادشاهی رسید . در سی امین سال پادشاهی وی ، زرتشت ظهور کرد . و آیین خدایرستی آورد . و گشتاسب دین او را پذیرفت . و از وی پشتیبانی کرد .

ولی موضع گیری متعادل گشتاسب ، در قبال دین زرتشت ، مورد دشمنی ارجاسب تورانی واقع شد . و میان او و گشتاسب جنگ درگرفت .

ارجاسب در یک حمله ، شهر بلخ را گرفت . و برادر گشتاسب " زریر " ، در دفاع از بلخ و باختریان کشته شد .

ما در برنامه های پسین ، بگونه وسیع از ظهور زرتشت پیامبر آریانیان قدیم و کتاب وی " اوستا " بحث جداگانه ای خواهیم داشت .

گشتاسب ابتدا در جنگ ، با تورانی ها شکست خورد . ولی بعد به تدبیر و مشورت وزیر دانای خود ، پسرش " اسفندیار " را که در بند بود ، آزاد ساخت .

و وعده داد که اگر ، ارجاسب شاه تورانی را شکست دهد ، تخت شاهی را به او واگذارد .

سپس اسفندیار روپین تن ، شرایط گذاشته شده پدر را پذیرفت . و به پدافند یا عملیات رزمی ، جهت جلوگیری از موفقیت دشمن پرداخت . و درنبرد رویارویی با تورانیان ، ارجاسب " شاه تورانی را شکست داده ، و او را از پا در آورد (18) .

تندیس اسفندیار روپین تن پسر گشتاسب



نام گشتاسب بیش از دیگر پادشاهان کیانی، در اوستا و مُتون پهلوی آمده است .

چنانکه زرتشت سپنتمان پیامبر آریائیان قدیم ، در اوستا بخش "گات ها (19) " از گشتاسب پادشاه کیانی فرمانروای بلخ باستان چهار بار نامبرده است .

در منابع قدیمی ، آبادسازی منطقه تالش گشتاسبی را ، به گشتاسب شاه نسبت داده اند . که این منطقه ، امروزه در جمهوری آذربایجان قرار دارد .

بروایت شاهنامه فردوسی و کتاب مقدس زرتشتیان ، وداستان های سلسله شاهان اشکانی و ساسانی و مُتون پهلوی ، پس از پادشاهی گشتاسب : بهمن پسر اسفندیار ، همای دختر بهمن ، داراب اول پسر همای و داراب دوم ، بترتیب حکمرانی تخت شاهنشاهی کیانیان، اجداد تاجیکان و پارسها را بعهدہ داشتند . سر انجام داراب دوم ، آخرین شاه کیانیان بلخ با قوای مهاجم یونانی ها جنگها کرده و شکست خورد و در نتیجه سلسله کیانیان از بین رفت

1 - آرتور کریستن سن . استاد دانشگاه کپنهاگ در 1875م . ولادت یافت و در 1945م . بدوود حیات گفت تحصیلات او در دانشگاه کپنهاگ بود . او قریب 60 کتاب و رساله به زبانهای انگلیسی و فرانسوی و دانمارکی و آلمانی نگاشت . از کتب معتبر او می توان کتابهای زیر را نام برد :

شاهنشاهی ساسانیان ، تحقیق در آیین آریانیای قدیم ، داستان بزرگمهر حکیم ، کیانیان ، آریانا در زمان ساسانیان ، حماسه شاهان در روایات آریانیای قدیم ، نمونه های نخستین بشر و نخستین شاه در تاریخ داستانی آریانیان ... و غیره .

2 - بندهش : نام کتابی است پهلوی که تدوین نهایی آن در سده سوم هجری قمری رخ داده است . نام این کتاب در فارسی به صورت بندهش هم آمده است . نویسنده (تدوین کننده نهایی) آن « فرنبغ » نام داشت .

« بندهشن » به معنی « آفرینش آغازین » یا « آفرینش بنیادین » است . نام اصلی کتاب احتمالاً « زندآگاهی » به معنی « آگاهی مبتنی برزند » بوده است چنانکه در ابتدای متن کتاب آمده است . این خود می رساند که نویسنده اساس کار خود را بر تفسیر اوستا قرار داده است . بندهشن در 36 فصل نوشته شده است . مطالب کتاب در سه محور اصلی است :

آفرینش آغازین

شرح آفریدگان

نسب نامه کیانیان .

از این کتاب دو تحریر موجود است اولی موسوم به بندهشن هندی که مختصرتر است و دومی موسوم به بندهشن بزرگ یا ایرانی که مفصلتر است . صفت هندی یا ایرانی از آن رو بر آن دو نهاده شده است که نسخ اولی در هند استنساخ شده است و نسخ دومی در ایران .

- رجوع شود به : تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام ، تفضلی ، احمد ، به کوشش ژاله آموزگار ، تهران : سخن - 1376 چاپ سوم 1376 ، صص 141 - 145 .

3 - دینکرد : کتاب سترگی است به زبان فارسی میانه (پهلوی) ، که آن را به مدرستی « دانشنامه مزدیسنی » و یا « درسنامه دین مزدایی (زرتشتی) » خوانده اند .

واژه « دینکرد » (dēnkart) در فارسی میانه را می‌توان به « کردها (کارهای) دینی » و نیز « نوشته دینی » برگردانید.

– رجوع شود به : زبان پهلوی : ادبیات و دستور آن ، آموزگار ، ژاله و احمد تفضلی ، چاپ سوم ، تهران: معین ، 1380 .

– مفاتیح العلوم ، خوارزمی محمد ، چاپ اول، تهران : انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، 1347.

4 - مینوی خرد : کتابی به زبان فارسی میانه است که صورت پهلوی و پازند :

[گویند نخستین سخن از نامه پازند

آنست که با مردم بداصل میبوند. " لبیبی "]

آن و نیز ترجمه‌هایی به سنسکریت و فارسی کهن (هم نظم و هم نثر) باقی مانده است.

اثر در 63 فصل تدوین شده است. مینوی خرد به دلیل اشمال بر نکات و اشاره‌های داستانی اهمیت دارد. زمان تألیف کتاب را به احتمال قوی در اواخر دوران ساسانی دانسته‌اند.

در کتاب ، کوچکترین اشاره‌ای به تازیان یا دین اسلام نشده است، ولی به نبردهای آریانیان با ترکان و رومیان اشاره شده است. تأثیر زبان فارسی نو چه از لحاظ دستوری و چه از لحاظ واژگانی در کتاب دیده نمی‌شود.

کتاب مینوی خرد را احمد تفضلی به فارسی امروزی ترجمه کرده است و در سال 1354 چاپ شده است.

رجوع شود به : تاریخ زبان فارسی ، ابولقاسمی، محسن، سازمان سمت، 1373 .

– تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام تفضلی، احمد ، به کوشش ژاله آموزگار ، چاپ سوم تهران : سخن 1378 .

– باری : مینوی خرد ، ترجمه : احمد تفضلی ، به کوشش ژاله آموزگار ، ویرایش سوم ، توس ، 1380 .

5 - شاهنامه فردوسی ، به تصحیح : ژول مول ، چاپ پنجم : 1379 ، ایران ، انتشارات بهزاد ، ص 78 ، 79 .

– کیانیان (Les Kayanides) نویسنده : آرتور امانوئل کریستنسن (Arthur Emmanuel Christensen) ، سال نگارش : 1931 میلادی ،

ترجمه : دکتر ذبیح‌الله صفا ، سال ترجمه : 1336 هـ. برابر با 1957 میلادی ، انتشارات : علمی و فرهنگی ، ص 242 .

6 - رجوع شود به :

– فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، تهران ، چاپ یازدهم : 1376 ، جلد ششم ، ص 1638 .

– جستاری چند در فرهنگ ایران ، بهار، مهرداد ، تهران : انتشارات فکر روز، 1376 .

– کیانیان ، کریستین سن، آرتور امانوئل ، مترجم : ذبیح‌الله صفا ، تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، 1381 .

– تاریخ ایران کمبریج ، یارشاطر، احسان، و دیگران. جلد سوم، قسمت اول ، مترجم : حسن انوشه ، تهران : امیرکبیر، 1383 .

– حماسه ملی ایران ، نولدکه ، تئودور ، مترجم : بزرگ علوی . تهران : موسسه انتشارات نگاه ، 1384 .

– حماسه سرایی در ایران ، صفا ، ذبیح‌الله. تهران : انتشارات امیرکبیر، 1384 .

7 – تاریخ ایران ، سرپرسی سایکس ، ترجمه : محمد تقی فخرداعی گیلانی ، ج اول ، تاریخ نشر : 1370 ، ص 178 .

8 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، تهران ، چاپ یازدهم : 1376 ، جلد ششم ، ص 1641 .

9 - رجوع به :

– تاریخ ایران ، سرپرسی سایکس ، ترجمه : محمد تقی فخرداعی گیلانی ، ج اول ، تاریخ نشر : 1370 ، ص 178 .

– مجمل التواریخ و القصص ، در قرن ششم هجری از نویسندہ‌ای نامعلوم ، و در قرن پانزدهم میلادی ، نوشته شده بوسیله : فصیح‌الدین احمد .

– تاریخ گزیده : کتابی تاریخی به فارسی نوشته حمدالله مستوفی، دربردارنده تاریخ عمومی جهان از آغاز آفرینش تا زمان نوشتن آن است.

– کتاب یشتها ، ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداوود ، جلد اول و دوم.

– شرحی در مورد یشتها :

یشت نام بخشی از کتاب اوستا، کتاب دینی زرتشتیان است. یشت بمعنی ستایش و نیایش و پرستش و فدیة است. یشتن در زبان پهلوی، بمعنای ستودن و عبادت کردن است.

موضوع یشت ها، سرودها و گفته های بسیار کهن و حماسه هایی در ستایش ایزدان است و عبارتند از اورمزدیشت، آمش سپنته (هفتن یشت)، خورداد یشت، آبان یشت، خورشید یشت، ماه یشت، تیر یشت، رشن یشت، فروردین یشت، رام یشت، ارد یشت، وند یشت، اشتاد یشت، و رهرام یشت، اردیبهشت یشت، مهریشت، زامیاد یشت، هوم یشت و سروش یشت است.

10 - به نقل از خبرگزاری پانا ، مورخ 1389/03/16 ، محل ارسال خبر : تبریز ، زمان : 08:37 صبح.

11 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، تهران ، چاپ یازدهم : 1376 ، جلد ششم ، ص 1642 .

12- مازندران استانی در شمال ایران و در کرانه های جنوبی دریای کاسپین می باشد .

13- منابع : - کیانیان ، کریستین سن، آرتور امانوئل ، مترجم : ذبیح الله صفا ، تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1381 .

- حماسه سرایی در ایران ، صفا، ذبیح الله ، تهران : انتشارات امیرکبیر، 1384 .

- حماسه ملی ایران ، نولدکه، تئودور ، مترجم : بزرگ علوی ، تهران : موسسه انتشارات نگاه، 1384 .

- جستاری چند در فرهنگ ایران ، بهار، مهرداد ، تهران : انتشارات فکر روز، 1376.

- تاریخ ایران کمبریج ، یارشاطر، احسان، و دیگران. جلد سوم ، قسمت اول ، مترجم : حسن انوشه ، تهران : امیرکبیر، 1383 .

14 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، تهران ، چاپ یازدهم : 1376 ، جلد ششم ، ص 1639 .

15 - مینوخرد در فصل 62 در فقرات 13 تا 14 مینویسد گنگ دژ در طرف مشرق نزدیک دریاچه سدویس در مرز ایرانویج واقع است.

فردوسی مینویسد :

پرسنده بودم بدین کوهسار

که بگذشت بر گنگ دژ شهریار

16 - دژ بهمن ؛ در شاهنامه فردوسی دژ استوار و سربرکشیده و طلسم شده بد دینان و بتکده آنان است . این دژ بر کنار دریاچه چیچست قرار داشت ، نخست « فریبرز » پسر کیکاوس با توس و لشکری نیرومند به پای دژ رفتند، ولی آنرا گشوده نتوانستند. مگر « کیخسرو » با « گیو » و « گودرز » به مدد وستایش خداوند آنرا گشودند.

– از دائرةالمعارف فارسی - و رجوع به : تاریخ گزیده ص 93 و یشتها جلد 2 ص 238 و 241 و 308 شود .

17 - کتابیون یکی از نام‌های فارسی برای دختران است. بنا بر شاهنامه فردوسی و مجمل التواریخ و القصص : کتابیون زن گشتاسب و مادر اسفندیار بوده است که نام دیگرش را ناهید گفته‌اند . شاهنامه فردوسی که نام او را بصورت کتابیون هم آورده، در جایی او را "دختر قیصر روم" نامیده .

18 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، تهران ، چاپ یازدهم : 1376 ، جلد ششم ، ص 1705 .

– برگرفته از اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوست خواه ، تهران 1374 ص 1046 .

19 - گات‌ها : سروده های آسمانی زرتشت را گات ها گویند و آن نخستین منظومه آریایی ها ست که از روزگار کهن بجای مانده و شامل پنج قسمت است :

– گاتهای اهنود ؛

– دوم اشتود ؛

– سوم سپنتمد ؛

– چهارم وهوخشتر ؛

– پنجم وهیشتواشت . و کهن ترین و مقدس ترین بخش کتاب اوستا شمرده می‌شود.